سینما

لوطی و روشنفکرنما

تفاوت ملک‌مطیعی با مخملباف از نظر ده‌نمکی

مسعود ده‌نمکی، کارگردان کشورمان با انتشار تصویری از مرحوم ناصر ملک‌مطیعی در اینستاگرامش متن متفاوتی را منتشر کرد. ده‌نمکی در یادداشت اینستاگرامی خود آورده است: تفاوت مرحوم ملک‌مطیعی با مخملباف در همین امروز آنهاست. لوطی در وطن و روشنفکر در آغوش اجنبی. لوطی که توسط خالق توبه نصوح تکفیر و ممنوع‌الکار شد و فیلم برزخی‌هایش توقیف و دیگری از فیلم توبه نصوح به فیلم سکس و فلسفه رسید.

خبر

برگزاری ششمین نمایشگاه ایران‌نوشت در سال جاری

نشست مشترک مدیر شبکه کودک و نوجوان سیما و مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی - اسلامی به منظور بررسی زمینه‌های همکاری دوجانبه برگزار شد. به گزارش تسنیم، در ابتدای این نشست صمیمانه سعید حسینی، مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی -اسلامی به تشریح برنامه‌های سال ۹۷ این مجمع از جمله برگزاری ششمین نمایشگاه ایران‌نوشت پرداخت و گفت: نمایشگاه ایران‌نوشت با حمایت‌های رسانه ملی بویژه شبکه کودک سیما در سال حمایت از کالای ایرانی با قدرت‌تر از همیشه و با حضور تولیدکنندگان نوشت‌افزارهای ایرانی از سراسر کشور برگزار خواهد شد. حسینی درباره پیشنهادات همکاری مشترک گفت: برنامه‌سازی با محوریت موضوع نوشت‌افزار ایرانی -اسلامی برای کودکان و نوجوانان، تولید و پخش فیلم‌های کوتاه ترویجی و اطلاع‌رسانی نمایشگاه‌های ایران‌نوشت در سراسر کشور از جمله برنامه‌های پیش‌بینی شده برای همکاری مشترک با شبکه کودک سیما است. محمد سرشار، مدیر شبکه کودک سیما نیز در این نشست با ابراز خرسندی از رشد جریان مردمی نوشت‌افزار ایرانی – اسلامی، گفت: نمایش چرخه تولید محصولات مانند نوشت‌افزار برای مخاطب کودک و نوجوان جذاب است و می‌توان با همراه کردن مخاطب در طول مسیر تولید محصولات فرهنگی آنها را به خرید و استفاده از این محصولات ترغیب کرد. شبکه کودک با تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای خود از جریان مردمی نوشت‌افزار ایرانی- اسلامی حمایت خواهد کرد. مجمع نوشت‌افزار ایرانی - اسلامی از سال ۹۲ به عنوان یک تشکل مردمی فعالیت خود را آغاز کرده که در ۵ سال گذشته به عنوان یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین تشکل‌های فرهنگی در حوزه کودک و نوجوان نقش ایفا کرده است.

سینمای جهان

پاسخ «مورگان فریمن» به اتهام رسوایی اخلاقی چه بود؟

فریمن به شکایت ۸ زن از خود به اتهام آزار و اذیت جنسی واکنش نشان داد و این ادعاها را کذب خواند. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، پس از اینکه رسانه‌ها از شکایت چند زن از «مورگان فریمن» به سبب رفتار نامناسب و آزار و اذیت پرده برداشتند، این بازیگر برنده اسکار اعلام کرد هرگونه صحبت مطرح شده در این باره اشتباه است اما وی از تمام کسانی که ممکن است آنها را ناراحت کرده باشد، عذرخواهی می‌کند. فریمن در واکنش به این اتهامات در بیانیه‌ای گفت: «از اینکه ۸۰ سال از زندگی‌ام در یک چشم به هم زدن و با گزارش رسانه‌ها در خطر فروپاشی است، ویران شدم اما می‌خواهم روشن صحبت کنم، من محیط ناامن کاری برای کسی ایجاد نکردم. به زنان تعرض نکردم و از آنها در ازای پیشرفت و استخدام درخواستی نکردم و همه این ادعاهای مطرح شده کذب است. من آدمی هستم که تلاش می‌کنم فضا را برای اطرافیانم راحت کنم و با آنها شوخی می‌کنم اما مشخصا همیشه این رفتارها طبق قصد و نیت من پیش نرفته است و به همین دلیل است که از همه کسانی که احتمالا آنها را ناراحت کردم عذر می‌خواهم.» مورگان فریمن ۸۰ ساله که در طول ۵۰ سال گذشته در بیش از ۱۰۰ اثر سینمایی بازی کرده است، نخستین‌بار در سال ۱۹۶۴ مقابل دوربین قرار گرفت و تاکنون ۵ بار نامزد جایزه اسکار شده که در سال ۲۰۰۴ برای فیلم «عزیز میلیون دلاری» بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد.

گزارش «وطن امروز» از نظرات اهالی هنر هفتم درباره طرح نمایش بازی‌های جام جهانی در سینماها

فیلم‌سوزی با فوتبال؟!

محسن شهمیرزادی: نخستین تصمیم جنجالی شورای صنفی نمایش جدید به ریاست محسن امیریوسفی، مخالفت‌ها و موافقت‌های زیادی را برانگیخت؛ طرح نمایش فوتبال جام‌جهانی در سینما، آن هم دقیقا زمانی که فیلم‌های اکران دوم نوروزی در ترافیک سانس‌های متعدد گرفتار شده و تنها چند هفته تا پایان اکران‌شان باقی مانده است. طرحی که موافقانش از شور و نشاط و سود سینمادارها سخن می‌گویند و مخالفانش معتقدند این اتفاق نه‌تنها کار فرهنگی نیست بلکه به فیلم‌سوزی منجر شده و سینماگران را متضرر خواهد کرد.

■ **اقتصاد سینمادارها، بهانه موافقان**

در صف موافقان نمایش فوتبال در سینما، بیش از همه سینمادارها به چشم می‌خورند. بعد از نمایش پررونق فیلم‌های نوبت اول اکران نوروزی، این روزها اگرچه سینماها با تعدد سانس‌ها مواجه است اما فیلم‌های متوسط روی پرده در اکران نوبت دوم نوروز، بیش از همه مشوق آنهاست تا پای تماشاگران فوتبال را به سالن‌های سینما باز کنند. «عایده مالی» را می‌توان اصلی‌ترین دلیل این اشتیاق دانست که حامیان این طرح را مصر در اجرای آن نگه داشته است. علی سرتیپی، مدیرعامل موسسه فیلمیران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های توزیع آثار سینمایی و همچنین مدیر پردیس کورش از موافقان این طرح محسوب می‌شود. او با بیان ابعاد مثبت و منفی این تصمیم بیان داشت: این اتفاقی است که هم می‌تواند جنبه مثبت داشته باشد و هم جنبه منفی. اگر در سالن‌های محدود و سانس‌های خاصی بازی‌ها نمایش داده شود می‌تواند مردم را از خانه‌های‌شان خارج کند و فضای پرهیجان فوتبال را به سینماها هم بیاورد ولی اگر این طرح به‌درستی اجرا نشود و تمام سالن‌های نمایش فیلم را به خود اختصاص دهد ممکن است در ابتدا به نفع سینماها شود اما در نهایت فیلم‌ها ضرر خواهند کرد. همایون امکانیان، از مدیران موسسه پخش نیکان‌فیلم، با این استدلال که با گران شدن دلار، مخاطبان فیلم‌های سینمایی ریزش کرده‌اند، این اتفاق را برای سینماها مفید ارزیابی کرد. وی در این‌باره گفت: به تعبیری می‌توان گفت این طرح می‌تواند باعث رونق سینماها شود زیرا در چند وقت اخیر با توجه به مسائل سیاسی، نوسانات نرخ ارز و همچنین رسیدن ماه مبارک رمضان افت چشمگیری در فروش فیلم‌های سینمایی داشته‌ایم. این اتفاق تا جایی پیش رفته است که فروش برخی سینماها و حتی پردیس‌های سینمایی نصف یا کمتر از آن شده و این موضوع به جذابیت فیلم‌ها ربطی نداشته است بلکه تحت تأثیر اتفاقات بیرونی بوده است. امکانیان همچنین بیان داشت: اگر بازی‌ها بعدازظهرها که زمان مهمی برای اکران فیلم‌ها در سینماهاست، نمایش داده شود شود طبیعی است که روی فروش فیلم‌ها تأثیرگذار خواهد بود. با این حال ما در شرایطی هستیم که نمی‌توانیم سالن‌های نمایش را از مخاطبان پر کنیم، بنابراین اگر مدیریت و برنامه‌ریزی درستی صورت بگیرد و بشود از ظرفیتی که جام‌جهانی ایجاد کرده است برای رونق سینماها کمک گرفت، اتفاق مهمی رخ داده است. برخی از اهالی هنر نیز نسبت به این اتفاق واکنش مثبتی نشان داده‌اند، البته زاویه دید آنها نسبت به این قضیه متفاوت است. آنها وجود فیلم‌های ضعیف و بی‌مخاطب روی پرده را دلیل کافی برای نمایش فوتبال در سینماها می‌دانند؛ فیلم‌هایی که مملو از ناامیدی و عاری از هر قهرمانی است و مخاطب ترجیح می‌دهد نشاط فوتبال را جایگزین اندوه رئالیسم سیاه کند. کیومرث پوراحمد از جمله این هنرمندانی است که پیش از این در گفت‌وگویی اظهار داشت: برای ایجاد شور و شعف در سالن‌های سینما بسیار خوب است مردم بازی‌های جام‌جهانی را در سینماها ببینند، زیرا هم به فوتبال و هم به سینما کمک می‌شود. اینکه سالن‌ها پر می‌شود اتفاق خوبی است. یکسری سینماگران هم در این میان مخالفت می‌کنند و اعتقاد دارند انجام این کار درست نیست. حالا من از آنها سؤال می‌کنم سالن‌های شما با فیلم‌های درجه یکی که می‌سازید خالی باشد بهتر است یا اینکه سالن‌های سینما شلوغ باشد و کمکی هم به اقتصاد سینما شود؟

■ **فیلم‌سوزی با فوتبال؟!**

سویه مخالفان این طرح به سمت اهالی هنر، کارگردان‌ها و برخی تهیه‌کنندگان سنگین است. آنها معتقدند نمایش فوتبال در سینما نه‌تنها ارتباطی به وجه فرهنگی سینما ندارد بلکه سودجویی‌ای است که از قبل سالن‌داری در سینما رخ داده و این اتفاق را عاملی فیلم‌سوزی در سینما می‌دانند، چرا که عمده بازی‌های جام‌جهانی در ساعات بعدازظهر و غروب به وقت ایران برگزار می‌شود و این اتفاق موجب می‌شود بهترین سانس‌های اکران در این ایام برای پخش فوتبال هدر رود. محمدحسین مهدویان، کارگردان فیلم «لاتاری» که از جمله آثار پرفروش نوروز امسال بود، با اظهارنظری جالب به مخالفت با این طرح پرداخت و در صفحه شخصی خود نوشت: «از شنیدن خبر نمایش فوتبال در سالن‌های سینما عمیقاً ناراحت هستم. من مخالف فوتبال نیستم و اتفاقاً عاشق تماشای دسته‌جمعی آن هستم ولی معتقدم در این ماجرا کسی دلش به حال مردم و نشاط جمعی‌شان نسوخته است، اگرنه چرا مجوز نمایش فوتبال در کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها را صادر نمی‌کنند؟ راستی مگر حق پخش مسابقات فوتبال را از بودجه کشور و از جیب مردم پرداخت نکرده‌اند؟ چه دلیلی دارد برای تماشای آن دوباره از مردم پول بگیرند؟ چرا مثل همه‌جای دنیا فوتبال را در پارک‌ها و اماکن عمومی، روی تلویزیون‌های شهری یا پرده‌های بزرگ به طور رایگان برای مردم نمایش نمی‌دهند؟» وی همچنین درباره امپراتوری سینمادارها نوشت: «من غمگینم چون عاشق سینما هستم و همیشه سالن سینما را خانه خود دانسته‌ام. نه به خاطر صندلی‌هایی که بیشترشان ناراحتند یا مثلاً سقف بلند یا بوفه‌های نه چندان پررونقش. سینما را دوست دارم به‌خاطر تصویری که روی پرده‌اش نقش می‌بندد. سینما جای فیلم دیدن است. اجرای تئاتر روحوضی و کنسرت‌های شیش و هشت و نمایش فوتبال در سینما، معنی‌اش این است که دوران سیطره فیلمسازها و تهیه‌کنندگان و مدیران فرهنگی بر سینمای ایران تمام شده. انگار باید بپذیریم که حالا زمانه امپراتوری سینمادارهاست. دیگر آنها هستند که تعیین می‌کنند پول در نمایش چه چیزی روی پرده نقره‌ای سینماست. به همین سادگی ما را از خانه‌مان بیرون می‌کنند». مصطفی کیایی، کارگردان فیلم «چهارراه استانبول» نیز با مخالفت طنزآمیز خود نسبت به این طرح اظهار داشت: «اگر قرار است این اتفاق بیفتد، پس ما هم اجازه دهند در استادیوم آزادی فیلم نمایش دهیم!» او درحالی مخالف این طرح است که فیلم‌های اکران دوم نوروز نیز در وضعیت مناسبی نیست. کیایی همچنین اضافه کرد: «واقعا برای فیلم‌های اکران دوم نوروز باید فکری اساسی کرد چون به نظرم اتفاق بدی رخ داد و همه فیلم‌ها در هم گره خورده‌اند و فیلم‌های گروه اول هم حاضر نیستند سالن‌ها را ترک کنند، هرچند ما به هر شکلی باشد سینماهای تهران را سروسامان می‌دهیم اما اتفاق بدتر در شهرستان‌ها رخ می‌دهد چرا که اکران در آنجا به شوخی تبدیل شده است». غلامرضا موسوی، تهیه‌کننده سینما و عضو هیأت‌مدیره فیلمیران برخلاف علی سرتیپی، مدیرعامل فیلمیران این اتفاق را تحقیر سینما دانسته و در یادداشتی آورد: احتمالا درصدی از فروش قرار است به مالکان فیلم داده شود و با این توجیه سر فیلم‌ها را بریده‌اند. به گمان من صاحبان فیلم‌ها باید با این روش غیرمعقول بشدت مقابله کنند و حتی در صورت لزوم فیلم‌های‌شان را از اکران پایین بکشند. از نمایندگان شورایعالی تهیه‌کنندگان هم متعجبم که با کدام توجیه اجازه چنین تحقیری را داده‌اند. نمایندگان کانون کارگردانان و کانون پخش! بفرمایید چه می‌کنید؟ واقعا وای بر ما که اعتبار را داریم با پول معاوضه می‌کنیم. کلاه‌مان را کمی بالاتر بگذاریم.

■ **تضعیف تولید به بهای کمک به پخش**

اگرچه به نظر می‌رسد این طرح مراحل نهایی خود را سپری کرده و جام‌جهانی به جای فیلم‌های سینمایی، بر پرده نقره‌ای نقش خواهد بست اما به نظر می‌رسد پیش از اتخاذ این تصمیم به ابعاد مختلف آن توجه نشده است چرا که حتی اگر قرار باشد فقط چند مورد محدود از بازی‌های جام‌جهانی در سالن‌های سینما به نمایش درآید، باز حق برخی از آثار سینمایی در این میان ضایع می‌شود، بویژه آنکه براساس قوانین مالیاتی کشور سالن‌های سینما به واسطه آنکه ذیل امور فرهنگی قرار می‌گیرد، در زمینه درآمد حاصل از فروش آثار سینمایی دارای معافیت مالیاتی است و با این حساب نمایش هر چیزی غیر از آثار سینمایی در سالن‌های سینما نمی‌تواند از این معافیت مالیاتی برخوردار باشد. با در نظر گرفتن صحبت‌های موافقان و مخالفان این طرح، آنچه بیشتر از همه خود را نمایان می‌کند این است که نتیجه اجرای طرح نمایش فوتبال در سالن‌های سینما هرچه باشد، بعید است اثر مثبتی بر شرایط فعلی اقتصاد سینمای ایران بگذارد، بویژه آنکه اجرای این طرح با وجود کمک ظاهری به چرخه پخش آثار سینمایی، در عمل زمینه‌ساز تضعیف چرخه تولید سینما خواهد شد و این خبر خوشی برای سینما و سینماگران ایرانی نیست!

نگاه

نگاهی به کتاب «از مشهد تا ژوهانسبورگ» اثر «حسین قرایی»

تاریخ‌نگاری مؤمنانه

فهیمه اسماعیلی: وقتی سخن از تاریخ شفاهی می‌شود، شاید باور عامه به این سو حرکت کند که مراد بازگو کردن خاطرات و به تعبیری «خاطره‌بازی» است؛ در صورتی که کافی است جست‌وجویی ساده در فضای اینترنت داشته باشیم تا به تعریفی نسبتا قانع‌کننده از این مساله دست پیدا کنیم. تاریخ شفاهی در واقع یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ است که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی بر اساس دیدگاه‌ها، شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و فعالان آن ماجراها می‌پردازد. با این تفسیر هر خاطره و روایتی از یک نفر در دسته تاریخ شفاهی قرار نمی‌گیرد و نمی‌توان به آن لقب تاریخ شفاهی داد. از این رو خوانندگان آثاری که با عنوان تاریخ شفاهی منتشر شده بد نیست بدانند هر خاطره‌ای را نمی‌توان در دسته تاریخ شفاهی قرار داد.

کتاب «از مشهد تا ژوهانسبورگ» مصاحبه و تدوین «حسین قرایی» که نشر «شهید کاظمی» بتازگی آن را منتشر و روانه کتابفروشی‌ها کرده، اثری است که به نیت ثبت و ضبط تاریخ شفاهی یکی از فعالان ادبی آن هم در حوزه شعر طلاب آماده و تدوین شده است. خواننده در روبه‌رو شدن با این اثر گمان می‌کند قرار است تاریخ شفاهی یکی از فعالان ادبی را بخواند، زیرا روی جلد این کتاب نیز با عبارت «تاریخ شفاهی شعر معاصر ایران» درج شده و خواننده با این تصور که با این کتاب قرار است از زبان حجت‌الاسلام سیدعبدالله حسینی از فعالان شعر حوزه علمیه با روند شکل‌گیری حرکتی تحت عنوان شعر طلاب آشنا شود، سراغ آن می‌رود ولی در عمل با متاع دیگری مواجه می‌شود. این کتاب حاصل مصاحبه حسین قرایی- از فعالان مطرح ادبی- است. وی این اثر را نیز با درک ضرورت و اهمیت ثبت و ضبط خاطرات فعالان فرنگی عصر انقلاب اسلامی (بویژه در حوزه ادبیات) تدوین کرده است. کتابی که برخاسته از نیت مومنانه حسین قرایی است و او با علم به اهمیت این مساله، سراغ آن رفته است. این فعال حوزه ادبیات با شناسایی این نقطه ضعف در روایت تاریخ انقلاب اسلامی از منظر رویدادهای فرهنگی، سراغ فعالان این عرصه بویژه آنهایی که تاثیرگذار بوده‌اند، رفته و سعی در ساخت تصویری از فضای ادبیات و شعر سال‌های پس از انقلاب اسلامی دارد. از این حیث باید این تلاش و همت او را ستایش کرد، زیرا در روزگاری که بسیاری آن را روزگار «جنگ روایت‌ها» می‌دانند، بازگو کردن حرکات جریان‌های وابسته و علاقه‌مند به انقلاب اسلامی، در واقع مانند پرتاب کردن تیری در یک جبهه نبرد است. جبهه‌ای که بسیاری در آن دچار اشتباه بوده و جهت‌یابی درستی ندارند. از این منظر این کتاب بخشی از پازل تاریخ انقلاب اسلامی را شکل می‌دهد.

این کتاب در واقع روایتی از روزهای جوانی «سیدعبدالله حسینی» است؛ روزهایی که با انگیزه بسیار در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی فعالیت می‌کردند و از هیچ کاری برای پیشبرد آرمان‌های انقلاب دریغ نداشتند. این کتاب با توجه به محتوایی که درون آن گرد آمده و با توجه به عبارت «زندگی و زمانه سیدعبدالله حسینی» که روی جلد آن درکنار «تاریخ شفاهی شعر معاصر ایران» آمده، باید گفت بیشتر از اینکه تاریخ شفاهی شعر باشد در واقع زندگی و زمانه یکی از فعالان انقلاب است که در عرصه شعر هم فعالیتی داشته است. البته جایگاه ادبی سیدعبدالله حسینی بر کسی پوشیده نیست اما در این کتاب به معنای تام کلمه با تاریخ شفاهی یک شاعر و فعال ادبی روبه‌رو نیستیم، زیرا در بخش‌های بسیاری بویژه از حوالی نیمه‌های کتاب فضای آن به سوی فعالیت‌های فرهنگی حجت‌الاسلام حسینی حرکت می‌کند و دیگر خبری از فعالیت‌های شاعرانه او نیست. برای مثال فعالیت‌های تبلیغی در ژوهانسبورگ یا دیدار با آیت‌الله سیدحسن نصرالله ارتباطی با «تاریخ شفاهی شعر معاصر ایران» ندارد و به همین خاطر گفته می‌شود به نظر می‌رسد قرایی بدون نقشه راه روبه‌روی حسینی نشسته است، زیرا گاهی مسیر مصاحبه با عنوان شدن یک نام از مسیر اصلی منحرف شده و موضوعی که مصاحبه‌شونده مشغول بازگو کردن آن بود، به فراموشی سپرده می‌شود. حتی در بخش‌هایی مصاحبه‌های این کتاب تبدیل به یک مصاحبه ژورنالیستی شده و اطلاعاتی از وقایع و رویدادهایی که حسینی شاهد و ناظر آنها در مسیر شعر انقلاب بوده، نیست. برای مثال کمتر دیده می‌شود در رابطه با چهره‌ها یا مناقشات میان چهره‌ها در آن سال‌ها حرفی زده شود و گاهی مصاحبه‌های کتاب رنگ و لعاب گپ و گفت صمیمی و خاطره‌بازی به خود می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های کتاب «از مشهد تا ژوهانسبورگ» بخش اَعلام انتهای کتاب است. این بخش خواننده را در مراجعه‌های بعدی به کتاب بسیار یاری می‌کند و به او کمک می‌کند بهتر بتواند به اسامی یا مواردی که در کتاب ذکر شده دسترسی پیدا کند و محققان نیز می‌توانند از این بخش برای مراجعه به یک خاطره خاص سود ببرند. بخش در «نگاه دیگران» و «نمونه‌های اشعار» بخش‌هایی هستند که ضرورت آمدن آنها در کتابی تحت عنوان «تاریخ شفاهی» روشن نیست. بخشی که تعدادی از دوستان و چهره‌های ادبی در یادداشت‌هایی به تعریف و ذکر ویژگی‌های سیدعبدالله حسینی پرداخته‌اند اما خواننده یک اثر تحت عنوان تاریخ شفاهی چرا باید نظر دیگران در رابطه با یک چهره ادبی را بخواند؟ حتی بخش نمونه اشعار نیز ضروری به نظر نمی‌آید، البته شاید با این توجیه بتوان پذیرفت که مولف می‌خواسته تصویری از اشعار شخصیت کتاب در ذهن خواننده به وجود آورد. با این حساب ضرورت آمدن این دو بخش در پرده‌ای از ابهام است. حتی در بخش تصاویر برخی از تصاویر فاقد کیفیت لازم است و باز هم توجیه قرار گرفتن آنها روشن نیست. برای مثال تصاویری از زوایای مختلف از سخنرانی در جمع اهل سنت ژوهانسبورگ یا تصاویر مصاحبه‌های سیدعبدالله حسینی با رسانه‌های داخلی یا آفریقایی چه کمکی به هدف و نیت کتاب می‌کند؟

در مجموع کتاب «از مشهد تا ژوهانسبورگ» اثر حسین قرایی که قرار است به تاریخ شفاهی شعر معاصر ایران از زبان سیدعبدالله حسینی بپردازد با وجود تمام نکاتی که بالاتر مورد اشاره قرار گرفت، در نوع خود یک اتفاق به شمار می‌رود و باید به مولف آن که این اثر دومین اثر وی از این مجموعه است دست مریزاد گفت، زیرا او در این فضا و با دست خالی وارد میدانی شده که بشدت عرصه حساسی است و کمتر از سوی مدیران و برنامه‌ریزان فرهنگی [بویژه انقلابیون] به آن توجه می‌شود.

رمضان‌نامه

حرف خواستن

■ فاطمه عبدالوند ■

با دست خالی هم
می‌توان قفل‌ها را گشود
وقتی اول اندیشه‌ات
خوب نامی
جاخوش کرده باشد
وقتی تمام شب
رویاهایت بشود
کسی که، گنجشک‌ها را بفرستد
صبح‌ها برایت موسیقی شکر بنوازند
باران را
تا تیرگی درد و غم را بزداید
از شیشه‌های چشمانت
به نسیم بگوید
تا هوای غیر من را
از سرش نبردی
برنگرد...
تمام جاده‌ها را یکطرفه می‌کند
به احسانش
از هر طرف بروی
تصادف می‌کنی با مهرش
حافظه‌ات پر از او
تمام چراغ‌ها سبز
سرعت‌های سرسام‌آور مجاز
تیک‌تاک ساعت‌ها یادمان می‌آورد
تمام دقایق عمر را
با نگاه او، تنظیم کردن
یعنی عاشقی...
وقت قرار است...
باران هم می‌آید
بی‌چتر و بی‌هوا
وسط صحن سجاده‌ای سپید
سقوط می‌کند
دست و سر و پیشانی‌ات
دست خالی و حرف‌های خودمانی
که آدرس تمام گمشده‌ها را
برایت می‌فرستد...
و آیه‌های مهرش
می‌نشیند بر تن اندیشه‌ها
همینجاست که
باز می‌کند تمام قفل‌ها را

برداشتی آزاد از آیه ۲۹ سوره مبارکه مؤمنون

مستند

مستند شهریار مُلک قرآن در «به اضافه مستند»

شصت‌وپنجمین قسمت از برنامه «به اضافه مستند» با پخش و بررسی مستند «شهریار ملک قرآن» ساخته مهدی فارسی روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت. به گزارش «وطن‌امروز»، در این قسمت و پس از پخش مستند، مهندس علیرضا فتحی‌پور، کارشناس قرآن و مسعود سیاح‌گرجی، قاری ممتاز کشور میهمان برنامه خواهند بود و پیرامون شخصیت قرآنی و زندگی استاد شهریار پرهیزگار، قاری برجسته و ممتاز کشور به گفت‌وگو خواهند پرداخت. «شهریار ملک قرآن»، مستندپرتره‌ای از استاد پرهیزگار است و به فعالیت‌های این قاری برجسته قرآن می‌پردازد. این مستند حاصل گفت‌وگوهایی با استاد شهریار پرهیزگار، قاری ممتاز کشور و تعدادی از اهالی این عرصه پیرامون شخصیت قرآنی و زندگی ایشان است. متاسفانه این استاد برجسته کشور، این روزها درگیر بیماری است که در مستند نیز به آن اشاره می‌شود. برنامه «به اضافه مستند» با اجرای سیدمحمدعلی صدری‌نیا، سه‌شنبه ۸ خردادماه ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه مستند سیما پخش خواهد شد.

■■■

روابط پشت‌پرده فوتبال در یک مستند سریالی

مجموعه مستند «دریبل» به کارگردانی پدرام بهرامی و تهیه‌کنندگی عطا پناهی، از تولیدات خانه مستند انقلاب اسلامی به مناسبت آغاز جام‌جهانی فوتبال بزودی از شبکه سوم سیما به نمایش در می‌آید. به گزارش «وطن‌امروز»، این مجموعه که در ۳ قسمت ۲۶ دقیقه‌ای تولید شده است، با قلم مهدی اسدزاده نگاهی دارد به روابط پنهان و دست‌های پشت‌پرده‌ای که در حوزه فوتبال نقش دارند. عطا پناهی، تهیه‌کننده این اثر با بیان اینکه در این ۳ قسمت فوتبال از دریچه اقتصاد، قضاوت و رسانه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد از ادامه ساخت این مجموعه مستند در محورهای دیگر خبر داد. تصاویر استفاده‌شده و سوژه پرداخته شده در این مجموعه مستند نگاهی به اقتصاد سیاسی و روابط پنهان موجود در مستطیل سبز است و به همین دلیل علاقه‌مندان می‌توانند با زاویه دیگری از فوتبال آشنا شوند.